



نقدی بر ورود دادگاه به قرارداد حق الوکاله

میان وکیل و موکل

(نقدی بر دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۹۳۹۰۰۱۱۰۶۳۸۱۸ صادر شده از شعبه دوم

دادگاه عمومی حقوقی شهرستان آران و بیدگل)



دکتر محمد صادق چاووشی

وکیل پایه یک دادگستری
مدرس دانشگاه



سید حمزه خاره

وکیل پایه یک دادگستری

دور فلک یک سره بر منهج عدل است...

۱. پیش‌گفتار

قسمتی از مزرعه ... آران و بیدگل مشمول قانون ملی شدن اراضی و جنگل‌ها می‌گردد. خواهان یکی از وکلای دادگستری در سال ۱۳۹۲ قرارداد وکالت با برخی از سهام‌داران مزرعه یاد شده منعقد می‌نماید تا نسبت به ملی شدن اراضی مزرعه، اعتراض مطرح نماید. در خصوص قرارداد مالی جهت انجام کارهای وکالت نیز، صلح‌نامه‌ای به تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ تنظیم می‌گردد. به موجب صلح‌نامه یاد شده، سهام‌داران متعهد می‌شوند بابت حق الوکاله، بهای چهار درصد ارزش زمین را به وکیل پرداخت نمایند. با توجه به اینکه کشاورزان توان پرداخت نداشته‌اند، موضوع تبدیل به ۵۰۰۰ متر مربع از اراضی آزاد شده می‌گردد.

طبق صلح‌نامه موجود، زمین مذکور در یک قسمت مشخص مزرعه تعیین می‌گردد. حسب تقسیم‌نامه عادی مقرر می‌گردد کلیه اراضی موضوع حکم قطعی فی‌مابین کلیه سهام‌داران مزرعه ... به صورت مشاعی تقسیم گردد. خواندگان ردیف اول تا سوم پرونده یاد شده، اقدام به درخواست ثبت مازاد بر قدرالحصه و سهم خود می‌نمایند. از این رو



دعوایی از سوی اصیل خواهان (وکیل پرونده اعتراض به ملی شدن اراضی) مبنی بر اعتراض به پذیرش ثبت و نشر آگهی مطرح می‌گردد. منشا ادعای خواهان مبتنی بر قرارداد و تقسیم‌نامه عادی تنظیمی بوده و درخواست ثبت مازاد را معارض با حقوق خویش و دیگر سهام‌داران اعلام می‌نماید. پرونده به شعبه ... دادگاه عمومی حقوقی شهرستان آران و بیدگل ارجاع می‌شود.

۲. چکیده موضوع

۱. خلاصه دادنامه صادر شده از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان

آران و بیدگل

... نظر به اینکه خواهان دعوا اساس و مبنای استحقاق مالکیت خود نسبت به اراضی متنازع فیه را، صلح‌نامه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ عنوان داشته است و با مذاقه در صلح‌نامه مشخص می‌گردد قطعه زمین موضوع مورد صلح به خواهان، میزان تقریبی ۵۰۳۰ متر مربع از اراضی ... پلاک بخش ... حوزه ثبتی آران و بیدگل که به صورت مفروز و با حدود اربعه معین از طریق کشاورزان مزرعه ... در ازای مال الصلح (یک میلیون تومان) به ایشان واگذار گردیده است ... دادگاه در راستای مواد ۱۹۹ و ۲۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی پرونده کلاسه ۸۸۰۳۶۲ همین شعبه را که خواهان به عنوان وکیل در آن انجام وظیفه نموده و صلح‌نامه استنادی ایشان به عنوان حق الوکاله در این پرونده تنظیم شده است را جهت بهره برداری قضایی و بررسی وکالت نامه و قرارداد وکالت ایشان، اخذ و موارد مفید و موثر را خارج نویسی نموده است. با بررسی پرونده مشخص می‌گردد خواهان میزان حق الوکاله را این گونه قید نموده: «به شرح قرارداد جداگانه تنظیم خواهد شد» و تمبر مالیاتی به میزان ۱۵ هزار ریال ابطال و الصاق گردیده است. با توجه به میزان تمبر مالیاتی الصاقی مشخص می‌باشد که تمبر بر اساس تعرفه مقرر در دعاوی غیرمالی باطل گردیده است ... با کنکاش در محتویات پرونده استنادی، مشخص می‌گردد در وکالت‌نامه‌های ارائه شده در پرونده استنادی، اشاره‌ای به قرارداد و صلح‌نامه عادی مستند دعوای حاضر نشده است و میزان حق الوکاله بر اساس تعرفه



قید شده و تمبر نیز بر اساس همین مبنا باطل شده است. نظر به اینکه بر اساس مواد ۷۸ و ۷۹ نظام نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۰۳/۱۹ و ماده ۳۴ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ که مقرر می‌دارد: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنجم به بالا محکوم می‌شود و چنین سند التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود...» با توجه به اینکه در ما نحن خواهان دعوا مبنای استحقاق خود را صلح‌نامه‌ای که به عنوان حق الوکاله ایشان (علاوه بر آنچه به عنوان قرارداد رسمی وکالت و وکالت‌نامه در پرونده استنادی ارائه نموده است) تنظیم گردیده، قرار داده است، در واقع وکیل با کتمان حقیقت در پرونده استنادی، حق الوکاله بیشتری دریافت نموده است... خواهان با کتمان واقع میزان حق الوکاله قراردادی مذکور در پرونده استنادی را وفق تعرفه اعلام داشته و مطابق تعرفه نسبت به ابطال تمبر دادرسی اقدام نموده است. لازم به ذکر است قانون مالیات‌های مستقیم، وکیل را مکلف نموده است مبلغ حق الوکاله را در وکالت‌نامه قید نماید و همان‌گونه که قرارداد وکالت تابع قانون می‌باشد خود وکالت‌نامه هم باید مطابق مقررات تنظیم شود و ماده ۱۰ قانون مدنی هم ناظر بر قراردادهایی که خلاف موازین و مقررات قانونی نباشد و با توجه به اینکه وکیل در وکالت‌نامه اقرار به وصول همان مبلغ کرده است، دریافت وجه بیشتر از آن ایفاء ناروا می‌باشد و به عبارت دیگر وکیل نمی‌تواند از امتیاز قانونی استفاده کند لکن از تکلیف قانونی فرار نماید و اقدام ایشان خلاف نظم عمومی و نوعی تخلف انتظامی و مصداق فرار مالیاتی می‌باشد. فلذا با عنایت به اینکه ادعای خواهان و مبنای استحقاق ایشان در خصوص مالکیت وی بر اراضی متنازع فیه را منشا ترتیب اثر و ایجادکننده مالکیت برای خواهان نمی‌داند، دعوای خواهان را وارد تشخیص نداده و با استناد به مواد فوق‌الذکر و همچنین ماده ۱۹۷ از قانون آئین دادرسی مدنی، حکم به بطلان دعوای خواهان صادر و اعلام می‌نماید.



۲. خلاصه دادنامه صادرشده از شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان خواهان نسبت به دادنامه صادرشده تجدیدنظرخواهی نموده که پرونده به شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان چنین استدلال می‌کنند: «... با عنایت به اینکه به موجب صلح‌نامه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ تجدیدنظرخواه از جمله سهام‌داران مشاعی مزرعه و چاه ... موضوع پلاک‌های ... و ... اصلی از بخش ... حوزه ثبتی آران بیدگل می‌باشد و بر خلاف استدلال دادگاه بدوی دلیلی بر بی‌اعتباری صلح‌نامه مذکور ارائه نگردیده و حسب تقسیم‌نامه عادی و مفاد دادنامه شماره ۱۶۰۴-۳۶۹۹۰-۹۲۰۹۹۷۰ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان مقرر گردیده کلیه اراضی بین کلیه سهام‌داران چاه و مزرعه ... بر اساس ۱۸۰۰ سهم حقایبه (چاه) آب مزرعه به قدرالحصه و به صورت مشاعی تقسیم گردد و از توجه به نظریه کارشناسی که طی شرحی اعلام نموده تجدیدنظرخواندگان ردیف اول و دوم و سوم مازاد بر سهم و قدرالحصه خود در پرونده ثبتی مورد مالکیت خود از پلاک ثبتی مذکور تقاضای ثبت داده‌اند که نظریه مذکور مورد اعتراض قرار گرفته و نظریه هیات کارشناسی که اعلام نموده به موجب تقسیم‌نامه اراضی مزرعه بین کشاورزان و مالکان بر اساس ۱۸۰۰ سهم چاه آب موجود تقسیم و از این تاریخ تقسیمات قبلی از درجه اعتبار ساقط و بر اساس سهام هر سه (تجدیدنظرخواندگان ردیف اول و دوم و سوم) نسبت به سهمی که طبق تقسیم‌نامه و پرونده ثبتی داشته‌اند اضافه و مازاد درخواست ثبت نموده‌اند و عملاً با قبول تقاضای ثبت مستدعیان ثبت یادشده در آینده با کسر سهام برای عده‌ای از مالکین ذی حق مواجهه می‌گردد و نظریه هیات کارشناسی مصون از ایراد و اعتراض موجه و موثر باقی مانده و با اوضاع و احوال مسلم قضیه نیز مبیانته نداشته و تجدیدنظرخواندگان ردیف اول و دوم و سوم دلیلی بر مالکیت خود نسبت به مازاد بر سهام خود طبق نظریه کارشناسی ارائه نموده فلذا ... مستنداً به ماده ۳۵۸-۳۵۳-۱۹۸-۵۱۵-۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به ابطال عملیات ثبت املاک مشاعی موضوع آگهی نوبتی شماره ۱۴۱۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۱ نسبت به مازاد بر سهم مالکیت تجدیدنظرخواندگان



ردیف اول و دوم و سوم بر اساس نظریه هیات کارشناسی و محکومیت آنها بالمنصفه به پرداخت مبلغ ... ریال بابت خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق خواهان بدوی صادر و اعلام می گردد...».

۳. بررسی و نقد مواد استنادی در دادنامه شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی آران و بیدگل

در ادامه، ایرادهای وارد و ناظر بر استدلال مندرج در دادنامه بدوی صادرشده و انعکاس آن در آیینہ قوانین و مقررات پرداخته می شود.

۱. به موجب ماده ۳۴ قانون وکالت: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود - در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد».

چنانچه قائل به ماده ۳۴ قانون یاد شده باشیم، به صراحت اعلام داشته است «علاوه بر میزان مقرر» ممنوع است. وکیل بر اساس میزان مقرر حق الوکاله خود را دریافت داشته تا آنجا که بالغ بر ۱۵۰ نفر ذیل صلحنامه نام برده (در یک قسمت مشخص و مفروز مزرعه با لحاظ نمودن سهم مشاع برای آن و با مستثنی نمودن آن از اراضی موضوع تقسیمنامه بین کلیه سهامداران) امضا نموده که خود دلیلی بر این است که وکیل بیش از میزان مقرر حق الوکاله دریافت نموده است چرا که اگر بیشتر بود قطعاً سهامداران مزرعه صلحنامه یاد شده را امضا نمی نمودند. این حجم امضای ذیل سند یاد شده عینی ترین دلیل علیه صاحبین امضا می باشد.

۲. خواهان با انجام کار مورد تعهد - که وکیل طرح دعوا و دفاع از حقوق مورد نظر



موکلان دعوای سابق است- استحقاق حق الوکاله را داشته و دارد؛ ماده ۳۴ قانون وکالت ناظر به زمانی است که وکیل بعد از انعقاد قرارداد وکالت، علاوه بر حق الوکاله مقرر یا مورد توافق بین طرفین، سند رسمی یا عادی دیگری که متضمن التزام موکل به دادن وجه بیشتر یا انجام تعهد دیگر ملتزم نماید انجام دهد؛ به طور مثال در قرارداد فی مابین طرفین به صورت توافقی حق الوکاله مبلغ ۳۰ میلیون تومان تعیین می گردد اما مجدداً وکیل به موکل اعلام می نماید که علاوه بر آن سند یک وسیله نقلیه به نام وکیل منتقل یا سند عادی ملک دیگر نیز علاوه بر میزان مقرر اولیه مطالبه و دریافت نماید.

۳. توافق بعدی میان موکل و خواندگان، مشمول ماده ۳۴ قانون یاد شده نبوده و مصداق تبدیل تعهد می باشد. کاستن یا افزودن مبلغ حق الزحمه بعد از انجام تعهد وکیل به قصد و اراده وکیل و موکل بستگی دارد. در فرض حاضر، توافق وکیل و موکل، پرداخت بهای ۴ درصد از ارزش روز ملک بعد از صدور حکم نهایی بوده است که پس از صدور حکم نهایی به علت اینکه موکلین امکان پرداخت بهای فوق الاشعار را نداشته اند و دارای تعذر در پرداخت ریالی حق الوکاله بودند در قالب تبدیل تعهد اقدام به تنظیم صلح نامه مورخ ۱۳۹۲ (یک سال بعد از صدور حکم) گردیده اند. تنظیم صلح نامه حاضر حاکی از اقرار موکلین مبنی بر بدهی ریالی به وکیل بوده که اشتغال ذمه موکلین به وکیل از این طریق بری گردیده است.

۴. تنظیم صلح نامه دلالت بر عدم پرداخت حق الوکاله می نماید و این حاکی از مدیونیت موکلین به وکیل می باشد. از این رو استناد به ماده ۳۴ قانون وکالت در دعوای حاضر خروج حکمی و موضوعی داشته و دارد تا آنجا که نمی توان استدلال نمود که وکیل در مدعی به نیز مداخله نموده است؛ چرا که صلح نامه، یک سال بعد از صدور حکم نهایی تنظیم گردیده است و مال موکلین تبدیل به محکوم به شده تا آنجا که چون توانایی پرداخت بهای آن را نداشته اند و دارای تعذر بودند چنین تبدیل تعهدی صورت پذیرفته است. از سوی دیگر تنظیم صلح نامه حاکی از رفع نزاع موجود جهت پرداخت حق الوکاله وکیل بوده و دارای اعتبار و نافذ است.

۵. نگاهی به وضع ماده ۱۰۴ قانون مالیات های مستقیم هم راهگشاست و در آن نوعی



تعیین تکلیف شده است. محتوای ماده مزبور مقرر می‌دارد: اگر در جریان رسیدگی در دادگاه ثابت شود حق الوکاله وکیل بیش از مبلغی بوده است که در وکالت‌نامه نوشته و بر اساس آن تمبر مالیاتی ابطال شده است مدیر دفتر دادگاه مکلف است مراتب را به اداره دارایی اعلام کند تا مابه تفاوت مالیات را وصول کنند و الا ضمانت اجرای عدم اعلام مبلغ دقیق حق الوکاله، اسقاط حق وکیل در مطالبه و وصول حق الوکاله نیست. حقوق دانان محترم، قطعاً آگاه هستند که شأن قاضی اجل از مامور و ممیز مالیاتی است. بنابراین در پرونده استنادی، وکیل هیچ‌گونه تکلیف قانونی مبنی بر پرداخت مالیات و سهم صندوق وکلای دادگستری را در آن زمان نداشته است، چرا که در آن زمان (۱۲ سال پیش) هیچ‌گونه وجهی از ناحیه موکلین به ایشان پرداخت نگردیده است تا تکلیف قانونی جهت پرداخت مالیات داشته باشند.

۶. فصل ششم از آیین‌نامه نظام نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ و اصلاحات بعدی آن تحت عنوان «نظام‌نامه مربوط به حق الوکاله و هزینه مسافرت» مشتمل بر ۱۰ ماده از ماده ۷۱ تا ۸۰ آیین‌نامه مذکور است. ماده ۸۰ این آیین‌نامه چنین است «شرکت در مدعی به برای وکلای عدلیه ممنوع است و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود و در صورتی که ثابت شود این عمل به طور ساختگی و حيله انجام یافته از قبیل آن که شرکت در مدعی به به نام دیگری است و در باطن مربوط به خود وکیل می‌باشد مجازات وکیل متخلف از درجه ۵ به بالا خواهد بود». به موجب تصویب مقررات لاحق، این فصل از مقررات آیین‌نامه مذکور دارد.

۷. توافق وکیل و موکل ارتباط به میزان مالیات ندارد؛ اساساً انواع مختلف قرارداد در حوزه‌های گوناگون غیر از وکالت منعقد و مبنای حقوق خصوصی طرفین می‌شود که ممکن است مالیات آن متناسب با مبلغ نباشد یا یکی از طرفین همچنان مدیون دولت باقی بماند؛ نه در قواعد عمومی قراردادها و نه در قانون مالیات‌های مستقیم، کمترین اشاره‌ای که رابطه حقوق خصوصی به جهت عدم پرداخت مالیات باطل یا حتی غیر نافذ باشد، وجود ندارد. لذا اصرار بر بطلان قرارداد بدون توجیه و دلیل قانونی، فاقد اعتبار است.



۸. رویه‌ای که در حال حاضر در بعضی از محاکم به صورت ناصواب شکل گرفته، استناد به بند ۲۹ ماده ۷۶ آیین نامه قانون وکالت ۱۴۰۰ است با این تفسیر که اگر اقدام و عمل وکیل در اخذ حق الوکاله از محکوم به قبل از ۱۴۰۰ برگردد منعی ندارد (مثل صلح‌نامه دعوی حاضر) و الا وکیل با مانع قانونی یادشده مواجه است؛ در حالی که این جهت‌گیری نیز دارای اشکال است، چرا که طبق بند ۸ ماده ۷۶ آیین نامه موصوف تنظیم قراردادهای خصوصی در چهارچوب ماده ۱۹ لایحه استقلال بلامانع است و از سوی دیگر، هرگاه وکیل، درصدی از بها یا ارزش محکوم به را حق الوکاله قرار دهد، هیچ منع قانونی وجود ندارد و فقط از باب رعایت شأن وکیل، ماده ۷۶ تنظیم گردیده است.

۴. نتیجه‌گیری

استنباط حقوقی باید برخواسته از روح کلی حاکم بر قوانین باشد. تفاسیر شکل گرفته در بعضی از محاکم برخلاف روح قانون و تاریخ تحولات این موضوع می‌باشد. در بند ۷ ماده ۷۶ آئین نامه قانون وکالت (مصوب ۱۴۰۰) به عنوان آخرین اراده قانون‌گذار، تنظیم قرارداد الحاقی مانعی ندارد و صلح‌نامه یاده شده را می‌توان نوعی قرداد الحاقی نیز تلقی کرد؛ آنچه در وکالت‌نامه اولیه قید شده حق الوکاله طی قرارداد جداگانه تنظیم خواهد شد. آن چنان که در حال حاضر نیز در قراردادهای الکترونیک (بند سی ام) موکل به وکیل می‌تواند اختیار دهد که مانده حق الوکاله خود را از محکوم به احتمالی برداشت نماید. بنابراین در تفسیر قوانین و مقررات، بایستی با چشمانی بازتر به تحولات و شرایط نگاه شود.

